

بررسی بحران مادری در جهان غرب و تأثیرات آن بر

جامعه ایرانی*

مونس سیاح**

اکرم حسینی مجرد***

چکیده

خانواده، کانون اصلی در جامعه و نقش مادری محور پایداری و پویایی آن است. با ورود به عصر مدرن، تغییرات اجتماعی و تحولات ساختاری در جوامع غربی، اساس خانواده و موقعیت مادری را دچار معضلاتی جدی کرده و آن را به مرز بحران رسانده است. مکاتب فکری مادی به همراه جنبش فمینیسم، با ایجاد زمینه‌های فکری و تغییر در باورها و ارائه تعاریفی دیگر از زن و نقش آفرینی‌های او و واسپاری کارکردهای بی‌مانند مادری و خانواده به مؤسسات اجتماعی، بیشترین نقش را در ایجاد این بحران داشته‌اند. جامعه ایرانی نیز با تغییرات فرهنگی و اجتماعی خود در دهه‌های اخیر از جمله افزایش سن ازدواج، افزایش طلاق، کنترل جمعیت، افزایش مهدکودک‌ها و نهادهای جایگزین نقش والدین، در حال پیمودن مسیر تجربه شده غرب است.

مقاله حاضر با مروری بر تغییرات خانواده و مادری در غرب، عوامل اصلی این تغییرات را مورد واکاوی قرار داده و با بررسی تأثیرات فرهنگ غربی بر خانواده ایرانی، پیشنهادات و راهبردهایی در جهت مدیریت بحران مادری در جهان و پیشگیری از بروز این معضل در ایران اسلامی ارائه می‌کند و تنها راه موفقیت در این زمینه را تکیه بر الگوی اسلامی - ایرانی می‌داند.

واژگان کلیدی

مادری، خانواده، بحران مادری، انقلاب جنسی، تعارضات مادری.

*- مقاله حاضر در نشست «اندیشه‌های راهبردی زن و خانواده» ارائه گردیده است.

**- استادیار گروه معارف دانشگاه صنعتی شریف sayyah@sharif.ir

***- دانشجوی دکتری علوم قرآنی و حدیث.

طرح مسئله

نهاد خانواده به عنوان مهمترین اساس بی‌بدیل جامعه بشری، حفظ، تداوم، پویایی و سلامت خود را مرهون مفهومی به نام «مادری» است. نقش مادری و حتی نفس مادر شدن که از آغاز حیات انسان همواره امری مقدس بوده است، در پایان هزاره دوم با تحولات بی‌سابقه فکری و اجتماعی ناشی از انقلاب صنعتی و ورود انسان به دنیایی جدید، به تدریج دستخوش آسیب‌هایی عمده شد. در این فضا زنان نقش‌های دیگری علاوه بر نقش‌های تاریخی و سنتی خود برعهده گرفته و با توسعه هر چه بیشتر جهان صنعتی، فرصت‌هایشان برای ایفای نقش مادری کمتر و حتی نگرششان نسبت به این موضوع منفی گردید.

از سوی دیگر جنبش فمینیسم به عنوان حاصل این رویکرد و با ادعای برابری کامل زن و مرد، مادری را موقعیتی معرفی نمود که این برابری را به مخاطره انداخته و سبب ایجاد تهدیدات جسمانی، شغلی و اجتماعی برای زنان می‌شود. در مجموع تبعات زندگی ماشینی از سوئی، و نیز نگرش‌های القاء شده فمینیستی، از سوی دیگر نظام خانواده و مادری را چنان متزلزل نمود که کمترین بازخورد آن بحران هویت، افزایش بزهکاری و... بود.

تغییرات رخ داده در جهان غرب در فاصله‌ای کوتاه به کل جوامع بشری سرایت نموده و تأثیراتی جدی بر خانواده که بیش از هر چیز از تمامی تحولات علمی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جهان متأثر می‌شود و خصوصاً

جایگاه زن و نقش مادری، بر جای گذاشت. این روند در آینده‌ای نه چندان دور، بحرانی جهانی را در حوزه خانواده و به خصوص مادری در پی خواهد داشت. در عصری که پدیده‌های فرهنگی و ضد فرهنگی به سرعت مرزهای جغرافیایی را در می‌نوردد، مطالعه و برنامه‌ریزی ملی در جهت پیشگیری و اقدام به موقع برای پاسداری از نظام کارآمد خانواده ایرانی - اسلامی، ضرورتی جدی است. مقاله حاضر با رویکرد «جامعه‌شناسی تغییرات» در پی آن است که تغییرات در بنیان مادری را که شامل دو کارکرد عمده یعنی تولیدمثل و پرورش فرزندان است، ابتدا در جهان غرب بررسی نموده و سپس با مروری بر موقعیت خانواده و مادری در ایران، این موضوع حیاتی را در گفتمان اجتماعی و مدیریتی کشور مطرح کند و با طرح یک نگرانی جدی ملی و جهانی، بر آن است تا گامی در جهت آینده پژوهی مسئله مادری بردارد و راهبردهایی برای مدیریت آن پیشنهاد دهد.

عوامل مؤثر در بحران مادری در غرب

در بررسی عوامل مؤثر بر موقعیت و نقش مادری در جهان غرب، سه عامل اساسی در رأس قرار دارند. اول آموزه‌های مکاتب فلسفی مادی، دوم جنبش فمینیسم و انقلاب جنسی که نتیجه قهری این اندیشه‌ها است و سوم تغییرات ساختاری در نهاد خانواده.

فراگیرترین و مؤثرترین مکاتب مادی در این عصر که چهره و مسیر زندگی انسان را تغییر دادند عبارتند از: اومانیزم، سکولاریسم، مارکسیسم،

فردگرایی و لیبرالیسم.

۱- مکاتب و اندیشه‌های فلسفی نوپدید

۱-۱- اومانیزم: اومانیزم با محور قراردادن انسان در کانون هستی، معیار هر خیر و شری را لذت‌های انسانی معرفی نموده و هرگونه پای‌بندی به جنسیت و نقش‌های متعلق به آن را منتفی دانست. در این فرهنگ که شادکامی و لذت خود محورانه زن و شوهر، اصل تلقی گردید نه تشکیل خانواده و تربیت نسل، مادری اولین مانع بوده و باید حذف یا محدود می‌گردید.

سارتر^۱ به عنوان متفکری اومانیزم، انسان را آزاد و بلکه بالاتر از آن، «آزادی» می‌نامد. یعنی بشر هم آزاد است و هم ملاک و میزان آزادی است. او سلطه تاریخ، طبیعت و مذهب بر وجود انسان را نفی می‌کند. در واقع با این تفکر، انسان عصر نوین از هر نوع وابستگی به حقیقت غیربشری، آزاد و رها می‌گردد (صانعی، ۱۳۶۴: ۴۳).

۱-۲- سکولاریسم: سکولاریسم با ایده «حذف خدا و مفاهیم متعالی» از حیات اجتماعی و تخصیص آن به حیات فردی، انسان را به بهره‌بردن از لذت‌های مادی تشویق می‌کند. با پذیرفتن سکولاریسم دلیلی برای تحمل محدودیت‌ها و سختی‌های ازدواج و تشکیل خانواده وجود ندارد (ویتز، ۱۳۸۴: ۸۳).

1- J.sartre.

۳-۱- مارکسیسم: اولویت مارکسیسم نسخ خانواده بود. مارکس استراتژی چنین تخریبی را پایه‌ریزی کرد. فرضیه او ساده بود: حذف یک کانون حیاتی، نابودی خانواده. مارکس اعلام کرده بود که با ناپدید شدن سرمایه، تشکیل خانواده نیز باید متوقف شود (www.american thinker.com). مارکس تشریح کرد که لغو مالکیت خصوصی موجب می‌شود تا مسئولیتی که برعهده تک افراد قرار دارد، مانند نگهداری از سالمندان، کودکان، تغذیه و... به کل جامعه محول گردد. در این دیدگاه، زن به عنوان یک مولد در طبقه کارگری و عضوی از احزاب سیاسی تلقی شده و تقسیمات طبقاتی و سرمایه‌داری، ریشه استثمار جنسی و جنسیتی زنان محسوب می‌شوند (فرهمند و بختیاری، ۱۳۸۶: ۱۲۸). بنابراین تعلقات همسری و مادری زنان، آنها را از تعهدات اقتصادی و سیاسی دور می‌کند.

فمینیست‌های مارکسیست، در مقابله با نظام سرمایه‌داری، نهاد خانواده و ساختار سنتی آن را در راستای ازدیاد سرمایه و سودجویی مورد سوء استفاده قرار داد و ستیز با خانواده سنتی را در راستای اهداف مارکسیستی خود برنامه‌ریزی کردند. افرادی چون «کلارا زتکین»^۱ و «رزا لوزامبورگ»^۲ به نوعی دگرذیسی مفهوم خانواده معتقد بودند. به نظر آنان مفاهیمی چون ازدواج رنگ باخته و انتخاب آزادانه شریک جنسی حق زنان است (همان). اندیشه مارکسیستی، بیش از هر تفکر دیگری، مشوق زنان در ترک وظایف

1- Clara zetkin.

2- Roza luzemburg.

همسری و مادری بود زیرا در این نظام، خانواده از حالت هسته‌ای که نوعی خصوصی‌سازی تلقی می‌شد، به کمون تغییر شکل یافت و زنان به عنوان رقیبان حزبی مردان، باید نیازهای فردی، عواطف و خواسته‌هایشان را در راستای اهداف مکتب، سازماندهی می‌کردند.

۴-۱- **فردگرایی و لیبرالیسم:** فردگرایی به عنوان یکی از پیامدهای طبیعی اومانیسم و سکولاریسم، محوریت غریزه و امیال انسانی را در گزینش ارزش‌ها، خلیقات و رفتارها پذیرفت. در چنین نظامی، ارزش فرد نه در حرکت تکاملی او که در میان لذت‌جویی‌های مادی معنا می‌پذیرد (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۶: ۹۸). این اندیشه بهترین دستمایه جهت اعطا آزادی بیشتر به زنان و توجیه فلسفی مناسبی برای کم‌رنگ کردن اهمیت خانواده و رهاکردن نقش مادری بود. قانونی شدن سقط جنین، عرفی سازی و ایجاد فرهنگ زندگی بدون تعهدات اخلاقی و قانونی و زندگی زن و مرد بدون ازدواج، آزادی روابط جنسی، برنامه‌های حمایت از همجنس‌گرایی، حمایت و تشویق خانواده‌های تک سرپرست و تک والد و هنجارشکنی‌های متعدد در زمینه فرزندان نامشروع و ایجاد مهدکودک‌ها و پانسیون‌های متعدد برای رهایی زنان از نقش مادری، از جمله تحرکات دهه‌های اخیر دنیای غرب بود (فرهمند و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۴۷).

۲- جنبش فمینیسم و انقلاب جنسی در غرب

۲-۱- **ستیز با خانواده و مادری:** فمینیسم که محصول عصر روشنگری

در اروپاست، با انگیزه‌های تاریخی و عوامل اجتماعی در بروز آن، زنان را در موقعیتی قرار داد که دیگر تمایلی به تجربه نقش مادری نداشته و خود را درگیر مسائل جذاب‌تری از بارداری، زایمان، شیردهی و تربیت فرزند کرده بودند که نتایج زودبازده‌تری به همراه داشت. موقعیت اجتماعی، درآمد منظم و تضمین شده، سرگرمی‌های لذت بخش خارج از منزل و ارضاء خواسته‌های مادی و معنوی، از جمله عوامل مشوق زنان در خودداری از پذیرش نقش مادری بود.

فمینیسم که نتیجه تفکرات سکولاریسم، لیبرالیسم و اومانیسم بود، تلفیقی از این سه نوع تفکر را در عمل به ظهور رسانده و در پی آن آزادی مطلق، بی‌توجهی به ارزش‌های اخلاقی که میراث قرن‌ها خویشتن‌داری و زندگی سالم جامعه بود و در یک کلام انقلاب جنسی در فرهنگ عمومی جوامع پدیدار شد.

فمینیست‌ها از اواخر دهه ۶۰ میلادی مبارزه علیه خانواده سنتی^۱ را آغاز کردند (مانسبریج، ۱۹۸۶: ۱۰۰). هدف اولیه مبارزه آنان، تنزل جایگاه زنان خانه‌دار در خانواده و اجتماع و سوق دادن آنها به سوی بازار کار بود تا زنان نیز در عرصه‌های اقتصاد و سیاست مساوی با مردان قدرت یابند. از نظر فمینیست‌ها، فرزندآوری باید یک مرخصی کاملاً کوتاه داشته باشد تا به مادر اجازه از سرگیری کار را بدون هیچ‌گونه صدمه در رقابت شغلی وی

1- Traditional family.

بدهد(همان).

موضوعاتی که از اواخر دهه ۱۹۶۰ توسط فمینیست‌ها مطرح گردید، مانند سقط جنین، فن‌آوری تولید مثل که در اصطلاح به آن «مادر میانجی»^۱ می‌گویند و سوسیالیسم جنسی، جایی برای تعهدات اخلاقی باقی نگذاشته بود (حسینی، ۱۳۸۰: ۱۷۱). پیروزی فمینیسم در این بود که جامعه را متقاعد ساخت که تنها یک زن حقوق بگیر شاغل، شریک ارزشمند و برابر یک زندگی زناشویی است (گراگلیا، ۱۹۹۸).

۲-۲- انکار غریزه مادری: جریان فمینیسم با تفکرات دوبروار در کتاب جنس دوم (فرانسه، ۱۹۴۹) که سنگ محک روشن‌فکری فمینیسم معاصر است، به طور آشکار و جدی وارد عرصه خانواده گردیده و به انکار کلیه ساختارهای سنتی خانوادگی و اجتماعی در خصوص زنان پرداخت و علاوه بر این، بیولوژی زنانگی را نیز انکار نموده و حتی غریزه مادری را نتیجه تربیت سنت‌های پدرسالارانه دانست (دوبروار، ۱۹۷۸: ۵۱۳-۵۱۱). دوبروار اصرار داشت اثبات کند «غریزه مادری» وجود ندارد.

۲-۳- خانواده تهی از مردانگی: مردانی که با فرهنگ فمینیسم تربیت گردیدند، دشمن خطرناک‌تری برای زن خواهان همسری و مادری به شمار می‌آمدند. مردانی با گرایش‌ات اخلاقی زنانه که تمایل به ازدواج و فرزند نداشته و بدون هیچ‌گونه توجیه منطقی از زیر بار مسئولیت ازدواج و تشکیل

1- Surrogate mother.

2- Garolynf.Graglia.

خانواده، شانه خالی می‌کردند. در این شرایط تمام افرادی که برای اولویت داشتن زندگی خانوادگی ارزش قائل بودند - به خصوص زنانی که تمایل به تشکیل خانواده داشتند - باید چالشی را که چنین مردانی ایجاد می‌کردند شناسایی نموده و با آن روبه‌رو می‌شدند.

باربارا اهرنریخ^۱ به طور مستدل، تأثیر اجتماعی مردانی را که از نقش خود به عنوان حامی و تأمین کننده همسر و خانواده طفره می‌روند و از بازار ازدواج عقب نشینی می‌نمایند مورد واکاوی قرار داده و با تشریح «اخلاق نان‌آوری»^۲ دهه ۱۹۵۰ که مردان را به ازدواج، کسب یک شغل آبرومند و حمایت از همسر و فرزندان خود ترغیب می‌نمود، به‌درستی تبیین می‌نماید که باور عمومی جامعه نیز بر این امر تأکید داشته و کسی را که غیر از این عمل می‌نمود «از یک مرد کمتر» می‌دانست. (اهرنریخ، ۱۹۸۳: ۱۲-۱۱). هارولد ورت^۳ نیز معتقد است مردان از موقعیت رهبری خود در خانواده کناره‌گیری کردند، به گونه‌ای که نسل به نسل تمایل مردان به داشتن مسئولیت کمتر شده و حالت انفعال، بازنشستگی و حتی زنانگی به خود گرفته‌اند، در حالی که زنان مسلط‌تر و مهاجم‌تر و مردانه‌تر شده‌اند. از جمله آثار مخرب فمینیسم علیه خانواده، بی‌ارزش‌ساختن مردانگی در جامعه بود که موجب شکاف بیشتر میان مردان و زنان منجر شد و به وخیم‌تر شدن روابط خانوادگی دامن

1- Barbara Ehrenreich.

2- breadwinnerethic.

3- Harord Vorth.

زد (وٲ، ۱۹۷۷: ۱۳۰).

۳- تغییرات ساختاری در نهاد خانواده

تغییرات در نهاد خانواده تا قرن بیستم به کندی و غیرمحسوس انجام می‌گرفت. اما از قرن بیستم به بعد و با دوران صنعتی شدن، حاکمیت سرمایه و ماشین بر همه عرصه‌ها، سرعت این تغییرات افزایش یافته خصوصاً پدیده مهم ورود زنان به بازار اشتغال و صنعت و خالی شدن خانه‌ها از حضور مادرانی متعهد، مدیر و مهربان به این تغییرات دامن زد.

اشتغال زنان و مسئولیت‌های اجتماعی آنان، خانوارها را به سمت کوچک شدن و تغییر از شکل گسترده به شکل هسته‌ای سوق داد. روند کوچک شدن خانواده بر اثر رویکردهای مدرن اجتماعی، اشکال دیگری از خانواده را در پی داشت نظیر: خانواده‌های تک‌والدی، خانواده‌های تک نفره، زندگی با هم جنس، زندگی با حیوانات و... خانواده تجدید بنا شده^۱ (متشکل از والدین و کودکانی که محصول ارتباط قبل از ازدواج آنها هستند) نیز از جمله خانواده‌های معاصر غربی است. کودکان خانواده‌های تک‌والدی تحت سرپرستی زن، در دهه ۱۹۷۰ به میزان ۹۰/۵ درصد افزایش داشته است که در دهه ۱۹۸۰، ۲۱/۲ درصد دیگر نیز رشد داشته است. از میان این کودکان، نسبت آنانی که با مادر هرگز ازدواج نکرده خود زندگی می‌کنند، از هفت درصد در سال ۱۹۷۰ به ۳۱ درصد در سال ۱۹۹۰ رسیده است (چاوشیان،

1- Reconstituted family.

۱۳۸۰: ۲۷۰). سرعت این تغییرات در برخی جوامع نظیر امریکا بیش از سایر کشورها است. به طوری که در فاصله کوتاه سه دهه، خانواده سنتی تقریباً ناپدید شد (استیون و سوزان، ۱۳۸۶).

طبق آماری که ایالات متحده پیرامون آثار سوء تک حضانتی مادر بر فرزندان ارائه می‌دهد میتوان به تأثیرات اجتماعی این نوع زندگی پی برد:

۱- ۷۵ درصد از نوجوانان معتاد به مواد مخدر از خانواده‌های تک والدینی هستند.

۲- ۶۳ درصد از موارد خودکشی جوانان مربوط به خانواده‌های تک والدینی هستند.

۳- ۷۰ درصد از نوجوانان باردار افرادی تک والدینی هستند (سیاحت غرب، ش ۸۴: ۲۳).

جدول ۱- تغییر درصد خانوارهای تک‌والدی از کل خانوارها در کشورهای

توسعه یافته

کشور	اوایل دهه ۱۹۷۰	اواسط دهه ۱۹۸۰
اتریش	۹/۲	۱۴/۹
فرانسه	۹/۵	۱۰/۲
ژاپن	۳/۶	۱/۴
سوئد	۱۵/۰	۱۷/۰
بریتانیا	۸/۰	۱۴/۳
ایالات متحده	۱۳/۰	۲۳/۹
اتحاد شوروی (سابق)	۱۰/۰	۲۰/۰
آلمان غربی (سابق)	۸/۰	۱۱/۴

منبع: آلیسا بورن، ۱۹۹۷.

اندروجی. چرلین^۱، جامعه‌شناس و استاد آمار دانشگاه جان هاپکینز آمریکا، در کتاب خود تحت عنوان «چرخ و فلک ازدواج»^۲، سیر تحول ازدواج در نیم قرن اخیر آمریکا را تشریح کرده و آن را اسفبار ارزیابی می‌کند. وی با ارائه نتایج ۲۰ ساله مطالعه خود درباره ساختار خانواده در این کشور، از وضعیت نابسامان این امر خبر می‌دهد. وی معتقد است به دلیل عدم انگیزه و نیروی محرکه لازم «چرخ و فلک ازدواج» در سال‌های اخیر به طور قابل توجهی، کند شده است و خطر ایستادن آن هر لحظه احساس می‌شود. وی می‌گوید: نتیجه این کندی را می‌توان در پیدایش ازدواج‌های عجیب و غریب و همجنس‌گرای فردی و گروهی مشاهده کرد (www.life-time.blogfa.com).

در هم ریختن ساختار خانواده سنتی، فرآیندی بود که بنیان مادری و پدری را در هم ریخته و نقش هریک را به حاشیه بلکه به خارج از خانه راند و فرصت ایفای نقش مادری و همسری را آنگونه که خانواده بدان نیازمند بود از زنان گرفت.

ظهور همیاران خانواده مهم‌ترین بازتاب خروج زنان از خانه‌ها و گسترش حضور اجتماعی آنان، ترک برخی از وظایف همسری و مادری و سپردن نقش‌ها و کارکردهای آن به سازمانها و نهادهای رسمی کشور بود. اینگونه نهادها، عهده‌دار وظایف سنتی پدران، مادران و خویشاوندان نزدیک شدند.

1- Andrewj.Gharlin.

2- The marriage-Go-Round.

برخی از این همیاران عبارت بودند از: مدارس شبانه‌روزی، مهدهای کودک، پرورشگاه‌ها، پرستاران خانگی، پانسیون‌ها، آژانس‌های خدمات خانگی. این واگذاری نقش‌ها، خانواده‌ها را از موهباتی عظیم محروم کرد و آسیب‌های جدی فرهنگی، عاطفی، اخلاقی، دانشی و بینشی را متوجه جوامع نمود. برخی از این آسیب‌ها عبارت‌اند از:

- ۱- کاهش فرصت‌ها و زمینه‌های ابراز عواطف مادری.
- ۲- تقلیل روابط کلامی مادر با کودک که از طریق لالایی و گویش‌های مادرانه، داستانگویی و شعرخوانی برقرار می‌شد و اکنون به ابزار صنعتی رسانه‌ای (کارتون‌ها، فیلم‌ها و سریال‌ها و بازی‌های دیجیتالی) سپرده شده است.
- ۳- کاهش آموزش‌های رفتاری و اخلاقی اولیه و تذکرات ضروری زندگی که هریک باید گام به گام در سنین مختلف و در موقع خود به کودک منتقل شود. در حال حاضر این امر خطیر را مدارس، مهدهای کودک و آموزشگاه‌های هنری و ورزشی برعهده گرفته‌اند.
- ۴- محرومیت خانواده از حراست و مدیریت دقیق مادران که از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مدیریت‌ها است؛ زیرا مادری در واقع، مدیریت نسل‌های انسانی است و هرگونه آسیبی به این مدیریت، ضربه‌ای اساسی به بشریت وارد می‌آورد.

تعارضات مادری

بنیان مادری، با دو وجه مادر شدن و ایفای نقش مادری، یعنی تولید نسل و تربیت بشر- رسالت‌هایی که خداوند زنان را لایق آن دانست- همواره نیازمند شرایطی سالم از حیث فردی، خانوادگی و اجتماعی است. آنچه طی سده‌ی اخیر در جهان غرب رخ داده است، در حقیقت تعارضاتی اجتماعی و اخلاقی است علیه زنان و خانواده و به خصوص مادری. تعارضات مادری در دو حیطه مسائل اجتماعی و مسائل اخلاقی قابل بحث است.

۱- مسائل اجتماعی

۱-۱- افزایش طلاق: افزایش روز افزون طلاق نتیجه قهری تغییرات اجتماعی، به خصوص سیطره فمینیسم بر جامعه زنان بود. فمینیست‌ها، مسئله «طلاق بدون تقصیر» را همانند آزادی سقط جنین در دسترس زنان قرار دادند تا به جنبش خود جنبه مثبتی بدهند. مجله تایم اظهار می‌دارد که زنان باید با استفاده از قانون «طلاق بدون تقصیر»، چهار نعل به سوی جهان آینده و بازارهای کار بتازند (تایم، ۱۹۹۰: ۷۹-۱۲). این تبلیغات مخرب و تحریکات اجتماعی، همان‌گونه که اهداف مبلغان بود، به سرعت تاثیرات ویرانگر خود را بر جوامع اروپایی و آمریکایی گذاشت، به طوری که طی کمتر از نیم قرن میزان فروپاشی خانواده و طلاق را به وضع اسفباری رساند. ازدواج و طلاق در دهه ۱۹۹۰ به لحاظ حقوقی به

سورت قراردادی مطرح شد و به جایی رسید که این دو امر حیاتی، از خرید و فروش یک خودرو نیز آسان‌تر بود. مقایسه آمار طلاق در نیمه دهه ۱۹۵۰ تا نیمه دهه ۱۹۷۰، حاکی از افزایش ۴۰۰ درصدی نرخ طلاق در کشور آمریکا است. در دهه ۱۹۸۰ به خاطر همزیستی‌های مشترک زن و مرد بدون ازدواج، آمار ازدواج به شدت کاهش یافت و حدود یک سوم از ازدواج‌ها نیز به طلاق انجامید (گاردنر، ۱۳۸۶: ۱۹۵-۲۱۹).

۲-۱- افزایش سن ازدواج: کودک شمردن جوانان تا سن ۱۸ سالگی و فراغت آنان از هرگونه مسئولیت اخلاقی، اجتماعی (مفاد کنوانسیون حقوق کودک) و فاصله میان بلوغ جنسی و بلوغ اجتماعی، به طولانی شدن دوره‌ی نوجوانی و افزایش سن ازدواج منجر شده است. افزایش سن ازدواج از جمله عواملی است که تأثیری مستقیم بر امر مادری دارد. زیرا اولاً فرصت مادری را از حیث زمان کاهش می‌دهد، ثانیاً مادران در سنین بالاتر در ایفای نقش مادری با مشکلات بیشتری مواجه می‌شوند.

۳-۱- سقط جنین: هویت‌زدایی از زنان از طریق بی‌قیدی جنسی، با تسلیم شدن آنان در برابر سقط جنین وخیم تر گردید. انقلاب جنسی برای موفقیت خود باید از سقط جنین قبح‌زدایی می‌کرد و آن را در دسترس قرار می‌داد. سقط جنین وابستگی به کودک را نیز کاهش می‌داد و این امر سبب تحکیم پیام فمینیسم که باید «نخستین دغدغه زنان خواسته‌ها و منافع خویش باشد»، می‌شد و ایده‌ی «مراقبت از فرزندان باید به عهده جامعه باشد» را محقق

می‌ساخت (گراگلیا ۱۳۸۵: ۱۰۶). طبق قوانین کانادا، دختر برای سوراخ کردن گوش خود به اجازه والدین نیاز دارد اما می‌تواند بدون آگاهی آنها سقط جنین کند (گاردنر، ۱۳۸۶: ۲۸۱). در ۲۲ کشور سرمایه‌داری غربی سالانه حدود ۶ میلیون و در سراسر جهان حدود ۷۰ میلیون سقط جنین صورت می‌گیرد (همان: ۲۸۲).

۴-۱- قوانین ضد خانواده: در تمام دموکراسی‌های لیبرال، به میزان قدرت دولت و به میزان تغییراتی که در قوانین به نفع حقوق فردی انتراعی (در برابر حقوق و امتیازهای نهادهای اجتماعی همچون خانواده) صورت می‌گیرد، قانون سرانجام به عاملی برای فروپاشی اجتماعی تبدیل می‌شود (همان: ۳۳۶). قوانین ضد خانواده، در جوامع غربی بسیارند. نمونه‌هایی که در پی می‌آیند، نشان می‌دهند چگونه جامعه‌ای که اهمیت خانواده را فراموش کرده است، خیلی زود ابزارهایی را پدید می‌آورد تا با آنها خانواده را نابود کند.

الف- محل سکونت اصلی: مطمئناً بزرگترین دارایی بدون مالیات در زندگی اغلب زوج‌های کانادایی، معافیت مالیاتی محل سکونت اصلی آنها است. یک زوج ازدواج کرده فقط در مورد یک محل اقامت می‌توانند از این معافیت بهره‌مند شوند؛ اما اگر این زوج ازدواج نکرده باشند، می‌توانند در دو مورد (دو محل اقامت) از این معافیت بهره‌برند. در چند دهه گذشته، این موضوع به معنای پاداش گرانقیمتی برای عدم ازدواج بوده است.

ب- تسهیم درآمد: طبق قانون مالیات بر درآمد در کانادا، زوج‌های ازدواج

کرده نمی‌توانند به منظور پایین آوردن درآمدهای یکی از زوجین (جهت کاهش مالیات) درآمد را میان خود تقسیم کنند؛ اما مدت‌ها است که به زوجین ازدواج نکرده اجازه داده شده تا درآمدهای خود را به طور جداگانه گزارش کنند و این در واقع همان اثر تسهیم درآمد را دارد.

ج - طرح پس انداز بازنشستگی: از ۱۲ ژوئن ۱۹۹۰ پس انداز بازنشستگی معاف از مالیات که پیشتر به زوج‌های ازدواج کرده تعلق می‌گرفت، به زوج‌های ازدواج نکرده‌ای که دارای فرزند مشترک باشند نیز اعطاء شده است (همان: ۳۴۹).

۲- مسائل اخلاقی

۱-۲- فحشا: امروزه صنعت سکس و شاخه‌های مرتبط با آن، مثل قاچاق زنان و کودکان، روسپیگری، سفارشات پستی دختران و کودکان، توریسم جنسی و پورنوگرافی، رشد فزاینده‌ای در اکثر نقاط دنیا به ویژه کشورهای اتحادیه اروپا داشته است. در حال حاضر تجارت دختران و زنان جوان توسط باندهای قاچاق انسان از نقاط مختلف جهان به اروپا و دیگر مناطق جهان ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده است (اشتری، ۱۳۸۵: ۳۲). آمارهای موجود نشان می‌دهد که میان ۷۰۰ هزار تا ۲ میلیون زن و کودک هر سال مورد قاچاق در سراسر جهان قرار می‌گیرند که حدود ۵۰۰ هزار نفر آنان در اتحادیه اروپا می‌باشند (همان).

دسترسی به تکنولوژی‌های نوین بویژه اینترنت نیز موجب تسریع این

روند شده است. از سوی دیگر، قانونی شدن و جرم زدایی از روسپیگری در تعدادی از کشورهای اتحادیه اروپا که با هدف جلوگیری از قاچاق زنان و کودکان به ویژه از کشورهای اروپای شرقی و مرکزی آفریقا و آسیای جنوب شرقی صورت گرفته نیز نتوانستند از این روند جلوگیری کنند و حتی باعث رشد بیشتر قاچاق کالاهای جنسی شدند. با توجه به این روند به نظر می‌رسد صنعت سکس در آینده، نهاد خانواده در اتحادیه اروپا را با چالش‌های جدی‌تری روبرو نماید.

۲-۲- همجنس‌خواهی: اصولاً هر رابطه‌ای میان زن و مرد خارج از قوانین ازدواج، مفسدهای است علیه سلامت جامعه و رفتاری ضد خانواده. همجنس‌گرایی یا همجنس‌خواهی، نوعی از انحراف اخلاقی است که به بنیان ازدواج و خانواده آسیب جدی می‌رساند. با درهم ریختن نظامات دینی و اخلاقی در غرب، به اقتضای مدرنیسم همجنس‌بازی نیز چون سایر انحرافات پذیرفته شده و کم کم امری منطقی و طبیعی قلمداد گردید. همجنس‌بازان گروه‌های رسمی تشکیل دادند و با صدور اعلامیه‌های تند و تیز خواسته‌های خود را از دولت و جامعه مطالبه کردند. ابطال کلیه قوانین ضد لواط و روسپیگری بزرگسالان یا کودکان؛ حق همجنس‌بازان برای به فرزندی گرفتن و حضانت از کودکان صغیر؛ ابطال کلیه قوانینی که روابط جنسی یا تعداد افرادی را که در یک واحد زناشویی وارد می‌شوند، محدود می‌سازند (همان: ۲۳۲) از جمله این خواسته‌ها بود.

گاردنر در کتاب جنگ علیه خانواده می‌گوید هم جنس‌بازهای رادیکال می‌خواهند به هر قیمتی خانواده طبیعی را نابود کنند. آنها ادعا می‌کنند: «نهادهایی چون خانواده، کلیسا [به عنوان نماد مذهب] و غیره که با همه به طور برابر برخورد نمی‌کنند باید نابود شوند» (گاردنر، ۱۳۸۶: ۲۳۳). کمیته ملی اقدام ادعا می‌کند نماینده‌ی بیش از سه میلیون زن کانادایی است این سازمان سرسختانه در حال اعمال نفوذ برای حق سقط جنین، روسپیگری قانونی، مهدکودک‌های یارانه‌ای و حقوق زنان هم جنس‌گراست (همان: ۱۷۵). از آنجا که فمینیسم برای زنان حق تعریف خویشتن و تعریف جهان را قائل شده بود، همجنس‌گرایی حاصل ارزشی بود که فمینیست‌ها برای تجربه زن قائل بودند (سخایی، ۱۳۸۸: ۹۶). این تفکر زنان را متقاعد می‌کرد که هیچ الزام فطری نباید آنان را بر انتخاب مادری و همسری مجبور کند.

آنچه به عنوان تعارضات مادری در ابعاد اجتماعی و اخلاقی اشاره شد، عناوینی است از ده‌ها مسئله‌ی اجتماعی که هریک به تنهایی تهدیدی علیه خانواده است و به جامعه‌شناسان و آینده‌پژوهان اجتماعی اجازه می‌دهد تا اعلام کنند: «بحران مادری در راه است».

خانواده ایرانی و وضعیت مادری

در بررسی و ارزیابی خانواده در ایران و آینده آن، چهار جریان مهم فکری باید مورد ملاحظه قرار گیرد.

اول- جریان سنتی که قرن‌ها شاکله اصلی خانواده در ایران را شکل

داده است و همچنان بخش عمده‌ای از خانواده‌ها تابع بسیاری از ملاک‌ها و آموزه‌های ارزشمند آن هستند.

دوم- جریان روشنفکری که در صد سال اخیر تغییراتی اساسی و فراگیر در سبک زندگی و فرهنگ فردی و اجتماعی و گفتمان علمی- پژوهشی کشور ایجاد کرد.

سوم- انقلاب اسلامی که با تحولاتی عمیق در همه ارکان جامعه، در جهت ایجاد نظامی اسلامی گام برداشت و طی سه دهه موجب رشد فکری، علمی، دینی، سیاسی و اجتماعی جامعه شد.

چهارم- جنگ فرهنگی سازمان یافته از سوی دشمنان داخلی و خارجی نظام جمهوری اسلامی، با هدف براندازی نظام اسلامی که اصطلاحاً جنگ نرم نامیده می‌شود. این جریان با کمک انقلاب رسانه‌ای در دو دهه اخیر تأثیرات مستقیم و جدی‌تری بر خانواده‌ها و فرهنگ عمومی جامعه داشت. چهار جریان فوق تحولاتی را در خانواده ایرانی رقم زده است. از میان چهار جریان اجتماعی ذکر شده، جریان روشن‌فکری نسبت به سه مورد دیگر فراگیرتر بوده؛ به عقیده صاحب نظران، مدرنیته در ایران کارکردهای طبیعی، تاریخی و مشخصه‌های هویتی ما را دچار اختلال جدی کرد. این جریان از طریق ابزارهای تکنولوژیک و اقتصاددیش، شرایط تاریخی ساده کشورهای نظیر ما را به شرایط پیچیده بدل کرد. رابطه ما را با گذشته‌مان به رابطه‌ای بغرنج کشاند؛ یعنی ایرانی بودن و ایرانیت ما را دچار مسئله کرد

(هودشتیان، ۱۳۸۱: ۱۷۱).

این تفکر وارداتی و مخرب، بنیان بسیاری از ارزش‌ها و از همه مهمتر هویت ایرانی را متزلزل کرد و یک خودباختگی و غرب زدگی را در میان اقشار مختلف رواج داد. تبعات این طرز تفکر، از خود بیگانگی نسل‌های بعدی، متجدد شدن خانواده‌های سنتی و استقبال از فرهنگ غربی و بالاخره سست شدن بنیان خانواده و مادری بود.

در فرایند بررسی موقعیت زنان و نقش مادری در ایران، عمده‌ترین تغییرات اجتماعی را در موارد زیر می‌توان مشاهده کرد:

۱- تحصیلات زنان

ارتقاء سطح و تنوع تحصیلات و تخصص‌های علمی و فنی زنان، آثار و تبعات متعددی بر نظام ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی، الگوی توزیع و تخصیص نقش‌ها، شکل‌گیری روابط اجتماعی و نیز ساختارهای اجتماعی همچون خانواده، روابط زناشویی و تعامل با خویشاوندان باقی‌گذارده است (رستگار خالد، ۱۳۸۳: ۹).

استقبال چشمگیر دختران از تحصیلات دانشگاهی و افزایش نسبت شرکت آنان در کنکور سال‌های اخیر -۶۲ درصد در سال ۸۳، ۶۳ درصد در سال ۱۳۸۶ (هاشمی، ۱۳۸۷: ۶)، ۶۲/۷ درصد در سال ۸۸ و ۶۰ درصد در سال ۸۹ (www.gozine2.ir) - قطعاً تغییراتی جدی در خانواده‌های ایرانی را در پی داشته و باید مورد توجه برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران قرار گیرد تا این

ظرفیت جدید را در جهت بهبود وضعیت خانواده از حیث روابط اعضای آن و در جهت تربیت نسل هدایت کنند. زیرا به نظر می‌رسد برای زنانی که تحصیلات بالاتری نسبت به همسران خود دارند و به تبع آن از درآمد و منزلت اجتماعی بالاتری نیز برخوردار هستند، پذیرش جایگاه و نقش سنتی با مشکلات فراوانی روبه‌رو است (اعظم آزاده، ۱۳۸۵).

کلین معتقد است تحصیلات، مجرای برای تغییر نگرشی و ارزشی هر دو جنس است (اعظم آزاده، ۱۳۸۹:۱۴۴).

در هر صورت ارتقاء تحصیلات زنان که انتظار می‌رود تأثیر مثبتی در رشد و استحکام خانواده داشته باشد، به دلیل عدم هماهنگی و همراهی دیگر عوامل از جمله تحصیل مردان، می‌تواند به تهدیدی علیه خانواده تبدیل شود.

۲- اشتغال زنان

در دو دهه اخیر با تغییرات نگرشی در جامعه و فراهم شدن زمینه‌های اجتماعی مناسب در ایران، اشتغال زنان نیز رو به گسترش نهاده است. رسوخ الگوهای غلط غربی نظیر کم ارزش دانستن نقش مهم مادری و همسری، مصلحت‌گرایی فردی و استقلال طلبی، برابری خواهی، تمایل زنان به نقش‌های مردانه، راحت طلبی و لذت‌جویی، از جمله عوامل عمده گرایش زنان به اشتغال خارج از منزل است به طوری که می‌توان گفت انگیزه اصلی دختران از تحصیلات عالی بعد از کسب موقعیت اجتماعی، اشتغال و کسب درآمد و در نتیجه استقلال مالی و عدم وابستگی به همسر و پدر است.

بررسی تأثیرات مثبت و منفی این روند بر کیفیت روابط خانوادگی و پایداری زندگی مشترک نیازمند پژوهش‌های اجتماعی دقیقی است. آنچه باید پیش از هر نوع بررسی مورد توجه قرار گیرد این است که تحصیلات و اشتغال و استقلال مالی زنان، اگر با ارتقاء فرهنگی و رشد باورهای دینی و تقویت هدف‌گذاری متعالی در ازدواج و تشکیل خانواده همراه نباشد و خانواده به میدان رقابتی با همسر و دیگران تبدیل شود، به سود زنان و خانواده نخواهد بود و باید با معرفت‌افزایی و واقع‌نگری از هرگونه تزاخم میان عرصه‌های اجتماعی برای زنان با خانواده کاسته شود و رشد علمی و اجتماعی زنان به عنوان سرمایه‌ای در خدمت خانواده و در نتیجه اجتماع سرمایه‌گذاری شود.

۳- افزایش طلاق

میزان طلاق در ایران نیز متأثر از رویکردهای جدید اجتماعی که مهم‌ترین آنها بی‌توجهی به ارزش‌های دینی و کمرنگ‌شدن پایبندی‌های معنوی می‌باشد، رو به ازدیاد نهاده و افزایش نگران‌کننده‌ای را نشان می‌دهد. به گزارش ارائه شده از سوی دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال، طلاق‌های ثبت شده در سه ماهه اول ۱۳۷۳ در کل کشور، به میزان ۷۸۷۴ مورد بوده است. این رقم در سه ماهه اول سال ۱۳۷۴ به رقم ۷۷۵۹ مورد افزایش یافته است. با مقایسه همین آمار با آمار طلاق در زمان مشابه در سال ۱۳۸۷، میزان آن ۲۵۳۶۲ و در تابستان همان سال به ۲۷۶۸۸ و در پاییز

به ۲۷۹۸۳ مورد افزایش یافته و در زمستان همان سال، این میزان به ۲۹۴۷۷ مورد رسیده است.

تبعات قطعی طلاق، چیزی جز تزلزل در کارکرد خانواده، نابسامانی در وضعیت کودکان و تربیت آنان و بالاخره تشدید ناهنجاری‌ها در جامعه نیست.

۴- افزایش سن ازدواج در ایران

با تاثیرپذیری خانواده‌ها از ۴ دوره تحول ذکر شده در حوزه‌های گوناگون، تغییراتی در نهاد خانواده رخ داده است. از جمله سن ازدواج با تغییری کاملاً محسوس از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵. در میان زنان، از ۱۹ سال در سال ۱۳۳۵ به ۲۳/۲ در سال ۱۳۸۵ و در میان مردان از ۲۴/۹ سال در سال ۱۳۳۵ به ۲۶/۲ سال در سال ۱۳۸۵ رسید. این آمار نشانگر تأخیر در واقعه ازدواج است که امر مادری را نیز به تأخیر انداخته و فرصت مادری را در سنین جوانی از زنان می‌گیرد و طول باروری را کاهش داده و در یک نگاه ظرفیت مادری در کشور را کاهش می‌دهد.

جدول ۲- میانگین سن در اولین ازدواج (۱۳۸۵-۱۳۳۵)

مرد	زن	سال
۲۴/۹	۱۹	۱۳۳۵
۲۵	۱۸/۴	۱۳۴۵
۲۴/۱	۱۹/۷	۱۳۵۵
۲۳/۶	۱۹/۸	۱۳۶۵
۲۵/۶	۲۲/۴	۱۳۷۵
۲۶/۳	۲۳/۷	۱۳۸۰
۲۶/۲	۲۳/۲	۱۳۸۵

مآخذ: مرکز آمار ایران

۵- کنترل جمعیت در ایران

اقدام جدی ایران در تنظیم خانواده در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ به کاهش سریع میزان باروری انجامید، به گونه‌ای که این میزان از ۶ تولد در اوایل دهه ۱۳۶۰ به حدود ۲ تولد به ازای هر زن رسید (unFPA,2006). رشد جمعیت از ۳/۹ در سال ۱۳۶۵ به ۱/۵ در سال ۱۳۷۵ و سرانجام به ۱/۱ در سال ۱۳۸۶ رسید. (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۴). متوسط تعداد فرزندان برای هر زن قبل از انقلاب حدود ۶/۷ بوده که این رقم بعد از انقلاب به حدود ۷ رسید و مجدداً در سال ۷۲ به ۴ و در سال ۸۵ به ۱/۸ و در سال ۹۰ به ۱/۶ نفر کاهش یافته است (کاظمی‌پور؛ ۱۳۸۹). ضروری است روند کاهش میزان باروری به صورت مدبرانه و با نگاه دراز مدت به نحوی کنترل و هدایت

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده

شود که گرایش فرهنگ عمومی جامعه به سمت دو شاخص معیوب پرهیز از ازدواج و پرهیز از فرزندپروری سوق پیدا نکرده تا در آینده شاهد پدیده پیری جمعیت، کاهش خانواده هسته‌ای، رشد جمعیت مجردین و جمعیت زوجین بدون فرزند و رشد بی رویه زنان خود سرپرست و مجرد نباشیم.

جدول ۳- میزان رشد جمعیت و میزان باروری کلی از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۸۶

شاخص	سال	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۷۹	۱۳۸۶
میزان رشد سالانه جمعیت (%)	۲/۲	۳/۱	۲/۷	۳/۹	۱/۵	۱/۲	۱/۱	
میزان باروری کلی به ازای هر زن	۷/۳	۷/۷	۶/۳	۷/۱	۲/۹۶	۲	۱/۹	

منبع: سیمر، ۱۳۸۸، ۹۰

۶- استقبال از زندگی مجردی

زندگی مجردی به خصوص برای دختران در فرهنگ ایرانی چندان پذیرفته نیست. به عقیده کارشناسان، این رویه در برخی کلان‌شهرها و به تعداد محدودی وجود دارد اما برخی معتقدند این پدیده رو به افزایش است و میزان آن زنگ خطری برای کانون خانواده می‌باشد.

به گفته مجید امیدی مدیر کل فرهنگی سازمان جوانان، آمار روی آوردن جوانان به زندگی مجردی در ۶ کلان‌شهر تهران، شیراز، مشهد، اصفهان، تبریز و اهواز به ۳۰ درصد رسیده است و مهمتر آنکه روز به روز دختران جوان بر این آمار می‌افزایند. بنا به اظهار وی زنگ خطر زندگی مجردی در کشور

زده شده است.

دکتر ایرج وثوق جامعه شناس، بر این باور است که دختران به بهانه ادامه تحصیل از شهر و خانواده خود جدا می‌شوند و این اولین قدم در روی آوردن به زندگی مجردی در سال‌های بعد است. به اعتقاد وی بهترین الگوی استقلال دختران جوان در ایران، استقلال در سایه نظارت خانواده و حمایت آنها با در نظر گرفتن حقوق فردی دختران است (www.mihanblog.com).

۷- افزایش مهد کودکها

آمار افزایش مهدکودکها در ایران نشانگر واگذاری بخشی از نقش مادری به این نهاد است. در فاصله سال‌های ۸۰ تا ۸۸ علاوه بر مهدکودک‌های دولتی، تعداد مهدکودک‌های غیر دولتی از ۲۴۴۷ مرکز در سال ۱۳۸۰ به ۱۴۰۰۸ در سال ۱۳۸۸ رسیده و طی این دوره ۵/۱ برابر شده است. تعداد کودکان استفاده کننده از این مهدها نیز ۳/۶ برابر شده‌اند.

از آمار و اطلاعات فوق در خصوص وضعیت خانواده و مادری در ایران آینده مطلوبی پیش بینی نمی‌شود و توجه ویژه نخبگان و مسئولان را در این امر می‌طلبد.

فاصله گرفتن خانواده ایرانی از موقعیت سنتی خود در دهه‌های اخیر، با تبعیت از الگوهای غربی، تغییرات مهمی از جمله موارد زیر را در شکل‌گیری و نحوه تداوم این نهاد اجتماعی ایجاد کرد:

- افزایش معاشرت‌های قبل از ازدواج.

-تغییرالگوی همسرگزینی و گرایش به برون همسری و ازدواج با غیر بستگان و خویشاوندان.

-تغییر در ساختار هرم قدرت در خانواده.

-تضعیف روابط خویشاوندی و احساس تنهایی خانواده.

-تغییرات وسیع در سبک زندگی و شیوه‌های آن.

-انتقال بسیاری از کارکردهای خانوادگی به سایر نهادها (زمانیان، ۱۳۸۷).

این تغییرات، در برخی موارد به طور مستقیم و در دیگر موارد به طور غیر مستقیم، موقعیت زنان و نقش مادری در ایران را متاثر ساخته و اقتدار مادری و البته پدری را تضعیف کرده است.

نقش والدین در تربیت فرزندان به مرور رو به کاهش گذاشته و عموماً والدین، مربی اصلی کودک خود نبوده بلکه تماشاچی رشد فکری، فرهنگی و اخلاقی او می‌باشند و این امر به شکاف بین نسلی منجر شده است و کمتر خانواده‌ای از آن مبرا است. علت اصلی این وضعیت را می‌توان در دو امر واکاوی کرد:

الف- نهادهای آموزشی و پرورشی، اعم از فرهنگ عمومی و دانش کلاسیک در ایران با الگوبرداری از مدل‌های غربی، متولی اصلی در تربیت نسل‌ها شده و فرصت تربیت را از خانواده گرفته‌اند.

ب- حمله‌های فرهنگی در دو دهه اخیر، با نقش آفرینی مؤثر رسانه‌ها و وسائل ارتباط جمعی، عنان تربیت را از دست والدین خارج کرده آنها را

در ایفای نقش خود دچار مشکل نموده‌اند.

پیشنهادات و راهبردها

در ادامه پیشنهاداتی در راستای برون رفت از وضعیت کنونی خانواده و مادری و پیشگیری از بحران، در بعد بین‌المللی و ملی ارائه می‌شود.

۱- راهبردهای بین‌المللی

- طرح مسئله با تحلیلی واقع بینانه از گستره و عمق آن در سطح جهانی و دعوت از صاحب‌نظران و اندیشمندان برای حل آن.
- تنظیم کلیه اسناد و قوانین بین‌المللی و پیش‌بینی استراتژی‌های جهانی در جهت حمایت از خانواده‌ی اصیل حاصل از ازدواج قانون و مادری.
- اصلاح یا حذف کلیه قوانین ضد خانواده و مدافع تجرد.
- تدوین کنوانسیون بین‌المللی «کرامت و حقوق مادری» توسط سازمان ملل و جلب مشارکت و همراهی همه دولت‌های عضو.
- تأسیس صندوق جهانی حمایت از مادران آسیب‌دیده در جنگ‌ها و بحران‌های اجتماعی و اقتصادی.
- به کارگیری همه ظرفیت‌های سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی در مقابله با بحران خانواده و مادری در آینده.
- ایجاد بانک اطلاعات خانواده و مادران به منظور تبادل اطلاعات، تجربیات، فنون و ابتکارات تربیتی، خانوادگی و مادری از ملیت‌های مختلف.

- استفاده از ظرفیت‌های سازمان کنفرانس اسلامی، در پیشگیری و مقابله با تأثیرات بحران مادری بر کشورهای اسلامی.
- بسیج و تقویت ظرفیت‌های رسانه‌ای در دنیا برای تقویت اخلاقیات، ارزش‌ها و معنویات و هشدار به جوامع و ارائه آموزش‌های لازم در جهت ارتقاء فرهنگ عمومی و تقویت کارکردهای خانواده.
- فعال کردن مجامع جهانی حقوق بشر به منظور پیش‌بینی قوانین و ضوابط لازم برای حمایت از بنیان مادری در جهان، به عنوان سرمایه‌ای جهانی و تعیین مجازات‌های مؤثر در مقابله با متخلفان و سودجویان، اعم از دولت‌ها و تشکل‌های مافیایی و باندهای فساد و فحشا.
- طراحی ساز و کارهای جهانی برای فعال‌سازی و بسیج علمی جهان (دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها) برای پرداختن به موضوع مادری به عنوان موضوعی جهانی.

۲- راهبردهای ملی

- انجام مطالعات دقیق آینده‌پژوهی خانواده و مادری در ایران و ایجاد کرسی‌های نظریه‌پردازی در این موضوع به‌عنوان اقدامی بنیادین؛
- فرهنگ‌سازی در جهت حفظ اصالت‌های خانواده اسلامی و پررنگ کردن ویژگی‌های مثبت آن؛
- توان‌افزایی خانواده‌ها در جهت حفظ سلامت و اصالت خود (حفظ موقعیت والدین از نقش‌های خود و فرزندان در بعد فرزنددی)؛

- حمایت حقوقی و قانونی از خانواده و اولویت دادن به حقوق خانواده (حفظ حرمت‌ها و حریم‌ها) در کلیه تصمیم‌گیری‌های خرد، میانی و کلان کشور. (تهیه پیوست خانواده برای کلیه طرح‌های ملی در کشور)؛
- تدوین الگوی خانواده طراز اسلام و شاخص‌های رشد و تعالی آن؛
- طراحی مکانیزم ملی مراقبت همه جانبه از خانواده‌های در حال تزلزل و اصلاح خانواده‌های در حال فروپاشی؛
- توانمندسازی مادران و ایجاد انگیزه در آنان برای ایفای صحیح نقش مادری (تواناسازی جسمی و روانی مادران)؛
- فرهنگ‌سازی در جهت اصلاح نگرش جامعه نسبت به مقام مقدس مادری و معرفی و تجسم آن در حد آرمانی مطلوب برای نسل‌های آینده؛
- مصونیت بخشی به خانواده‌ها در برابر هجوم‌های فرهنگی جدید از طریق آگاه‌سازی و دشمن‌شناسی؛
- نظام‌سازی در حوزه زنان و مادری، با حفظ ارزش‌های خانواده سنتی و به‌کارگیری ظرفیت‌ها و امکانات زندگی مدرن؛
- گفتمان‌سازی و همراه کردن افکار و ادبیات عامه و خاصه در جهت اصلاح خانواده و مادری از طریق رسانه‌ها و مراکز علمی - پژوهشی.

نتیجه‌گیری

آنچه گذشت گوشه‌ای از مخاطرات نگران‌کننده‌ای است که در آینده بسیاری از ملت‌ها را تهدید خواهد نمود و نشان از بحران قطعی در حوزه

خانواده سستی و امر مادری را به همراه دارد. وضع موجود نتیجه سال‌های متمادی از کجروی‌های معرفتی، اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دولت‌ها و ملت‌ها بوده است و یک شبه درمان نخواهد شد بلکه باید با شیبه منطقی و عملی برای اصلاح آن اقدام نمود و یا حداقل از گسترش و تخریب آن کاست. اندیشه غنی ایرانی - اسلامی که برخاسته از تعالیم قرآن کریم، سیره نورانی اهل بیت (علیهم‌السلام)، فرمایشات حضرت امام خمینی (ره) و رهنمودهای مقام معظم رهبری است، می‌تواند عالی‌ترین نقشه راه را برای نجات بشر از این معضلات ارائه نماید. بنابر این کلیه سیاست‌ها و برنامه‌ها و راهبردها و اقداماتی که در این خصوص انجام می‌گیرد باید مبتنی بر این نظام فکری باشد و با شعار بومی بی‌اندیشیم و جهانی عمل کنیم، گام بردارد.

منابع

- ◀ استیون، میتز و سوزان کلوک. «جایگاه خانواده در غرب»، ترجمه‌ی مرتضی مداحی، معرفت ش ۱۱۶، (۱۳۸۶).
- ◀ اشتری، بهناز ۱۳۸۵. قاجاق زنان، بردگی معاصر، تهران، میزان.
- ◀ جنادله، علی و مریم رهنما. «خانواده متعارف ایرانی: تحولات نسلی و چالش‌های پیش رو (بر اساس تحلیل ثانویه داده‌های ملی)» مجموعه مقالات همایش ملی آینده پژوهی مسائل خانواده، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک (۱۳۸۹).
- ◀ چراغی کوتیانی، اسماعیل. «فمینیسم و نوع نگاه به خانواده»، معرفت، ش ۱۱۶ (۱۳۸۶).
- ◀ حاجیانی، ابراهیم و آریتا اخلاقی. «پیشینی و آینده‌نگری تحولات ساختاری نهاد خانواده در ایران (با تأکید بر نظریه سنت و مدرنیسم)» مجموعه مقالات همایش ملی آینده پژوهی مسائل خانواده، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک (۱۳۸۹).
- ◀ حسینی، سید ابراهیم. «فمینیسم علیه زنان»، کتاب نقد، ش ۱۷ (۱۳۸۰).
- ◀ زمانیان، علی ۱۳۸۷. تغییرات بنیادین نهاد خانواده در چند دهه اخیر، تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی و مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ◀ فرهمند، مریم و آمنه بختیاری. «واگردهای فمینیستی در ازدواج»، مجموعه مقالات فمینیسم و خانواده، تهران، روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (۱۳۸۶).
- ◀ کاظمی، عباس ۱۳۸۸. پرسه‌زنی و زندگی روزمره ایرانی، مجموعه فرهنگ و علوم انسانی، تهران، آشتیان.
- ◀ کارولین گرا گلپاف. «آرامش در خانه» مجموعه مقالات فمینیسم و خانواده ترجمه مریم

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده

- فرهمنده، تهران، روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (۱۳۸۶).
- ◀ گاردنر، ویلیام ۱۳۸۶. جنگ علیه خانواده، ترجمه معصومه محمدی، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- ◀ گراگلیا، کارولین ۱۳۸۵. فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳. ترجمه معصومه محمدی. تهران، معارف.
- ◀ محمدی، محمد علی. «نقد رویکردهای فمینیستی به خانواده»، مجموعه مقالات فمینیسم و خانواده، تهران، روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (۱۳۸۶).
- ◀ ویتز، پل. «پاسخ دین و دولت در قبال بحران خانواده»، سیاحت غرب، ش ۹ (۱۳۸۲).
- ◀ مرکز آمار ایران، تاریخ رجوع پائیز ۱۳۹۰.
- ◀ اصول فلسفه، دکارت، ترجمه صانعی، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۴.
- ◀ رستگار خالد، امیر. ۱۳۸۳. خانواده، کار و جنسیت، تهران، شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده.
- ◀ هاشمی، سید ضیاء و دیگران. ۱۳۸۷. مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران.
- ◀ اعظم آزاده، منصوره و دیگران، خشونت علیه زنان در تهران، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۴، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان (۱۳۸۵).
- ◀ اعظم آزاده، منصوره و مریم رجبزاده. «فزونی ورود دختران به دانشگاه و چالش‌های آتی خانواده، راهبردهای تحکیم نهاد خانواده» مجموعه مقالات استراتژیک، معاونت پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی.
- ◀ کاظمی‌پور، شهلا. «باروری و برنامه‌های آتی تنظیم خانواده و تحولات آینده در ایران».

بررسی بحران مادری در جهان غرب

همایش ملی آینده پژوهی مسائل خانواده در ایران، مرکز تحقیقات استراتژیک شورای
تشخیص مصلحت نظام، (۱۳۸۹).

◀ مانوئل، کاستلز ۱۳۸۰. عصر اطلاعات، قدرت، هویت. ترجمه حسن چاوشیان، تهران،
طرح نو.

- www.Gozine2.ir.
- Klein, E. 1984. politics. Cambridge, MA: Harrard university press.
- DeBeavoir Simon. 1978. The second sex. (New York: Knopf), pp. 511, 513.
- Vorth, Harord. 1977. The castrated family (kansa city: sheed Andrews and mcmeel).
- The hearts of men: American Dreams and the fight from commitment (Garden city, N-Y: ancho press/Doubleday, 1983).
- www.american-thinker.com/2010. The –abolition-of-the-family, html.
- Janej, Mansbridge. 1986. why we lost the ERA (Chicago: university of Chicago press, p100).
- Barbara, Ehrenreich 1983 .. The hearts of men: American Dreams and the fight from commitment (Garden city, N-Y: ancho press/Doubleday).
- Burns, Alisa 1992. «Mother-headed families: an international perspective and the case of Australia», social policy Report 6(1)
- Compiled and elaborated by Bruce et al. (1995)